

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۷

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هفتم، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۸

هواپرستان، چالشی در برابر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

سیدعابدین بزرگی^۱

چکیده

انسان‌ها در درون، از هدایت عقل و در عالم بیرون، از راهنمایی‌های پیامبران برخوردارند، اما بسیاری از آن‌ها، عقل را از منزلت خود تنزل داده، هوای نفس را جانشین آن نموده‌اند. این جایگزینی، که به منزله «اله» قرار دادن هوای نفس و تبعیت از آن است، سبب شد تا هواپرستان، دعوت پیامبران را اجابت نکرده، متکبران به تکذیب و قتل آنان مبادرت بورزند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از آیات قرآن، و یکی دانستن اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با اهداف پیامبران، بر این باور است که برخی از منتظران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به دلیل تبعیت از خواسته‌های نفسانی، عقل خود را اسیر نموده، چالش‌هایی که هواپرستان در برابر پیامبران عصر خود به وجود آورده‌اند، در برابر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز ایجاد می‌کنند. آنان در ادعای خود، مبنی بر انتظار و اجابت دعوت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف صادق نبوده، با تکذیب حضرتش، در صدد شهادت او هستند. مهم‌ترین راه برون رفت آنان از این چالش‌ها، نجات عقل از اسارت هوای نفس است تا متواضعانه دعوت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را تصدیق و اجابت نموده، برای تحقق اهداف آن حضرت، حاضر به بذل مال و جان شوند.

واژگان کلیدی

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، عقل، هوای نفس، هواپرستان، تکذیب، قتل.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم السلام قم (abedin@abu.ac.ir).

مقدمه

از منظر آیات و روایات، هوای نفس، حب به دنیا و شیطان، سه عامل اصلی انحراف و سقوط انسان‌ها هستند. از میان این سه عامل، هوای نفس، نقش محوری داشته، بزرگ‌تر و خطرناک‌تر از دو عامل دیگر است. به همین دلیل معصومین علیهم‌السلام، با بیانات گوناگون، خطر آن را بیان کرده‌اند، مثلاً پیامبر عظیم‌الشأن اسلام، آن را دشمن‌ترین دشمن انسان معرفی کرده است: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۶۷، ۳۶)؛ حضرت علی علیه‌السلام آن را هلاک‌کننده‌ترین شیء و سرچشمه هر فتنه برشمرده است: «أَهْلَكَ شَيْءٌ الْهَوَى» (خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۲، ۳۷۲)؛ «إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبَعُ» (نهج البلاغه، خطبه ۵). هم‌چنین امام صادق علیه‌السلام در این باره فرمود:

فَلَيْسَ شَيْءٌ أَعْدَى لِلرِّجَالِ مِنْ إِتِّبَاعِ أَهْوَائِهِمْ (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۶۷، ۸۲).

مهم‌ترین عواملی که سبب می‌شوند تا هوای نفس، بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن انسان شمرده شود، عبارت‌اند از:

الف) عوامل انحرافی دیگر، یعنی حب به دنیا و شیطان، از طریق هوای نفس به انسان آسیب می‌زنند؛ به طوری که اگر کسی هوای نفس خود را کنترل کند، از دشمنی حب دنیا و شیطان معصون خواهد بود، (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۱۹۴)؛

ب) هوای نفس در هر زمان و هر مکان، و به اندازه عمر انسان با او دشمنی می‌ورزد؛
ج) هوای نفس با انسان، هم خانه و آشنا بوده، نقاط ضعف انسان را دانسته، کالای نفیس و ارزشمند انسان را می‌رباید؛

تو با دشمن نفس هم خانه‌ای چه در بند پیکار بیگانه‌ای؟
(سعدی، ۱۳۸۸، باب هفتم)

دزد خانه است نفس حالی بین زو نگره دار خانه دل و دین
دزد ناگه، خسیس دزد بُود دزد خانه، نفیس دزد بُود
(سنایی)

د) هوای نفس سبب می‌شود تا هواپرستان، چالش و مانعی در برابر پیامبران ایجاد کرده، به آنان ایمان نیاورند. از منظر قرآن، پیامبران انسان‌های برگزیده و خلفای خداوند در زمین بوده‌اند: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و برای اهداف مهمی، مانند تزکیه مردم،

تعلیم کتاب و حکمت مبعوث شده‌اند:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (جمعه: ۲).

این اهداف هر چند به نوبه خود، ارزشمند هستند، ولی مقدمه‌ای برای هدف نهایی و غایت قصوای دیگر، یعنی خروج انسان‌ها از ضلالت و گمراهی، هدایت آنها به سوی نور و روشنایی می‌باشند:

﴿رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ (طلاق: ۱۱).

پیامبران برای رسیدن به این اهداف، با موانع و چالش‌های فراوانی روبرو بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین آنها، تبعیت اکثر انسان‌ها از هوای نفس بود که به سبب آن، دعوت پیامبران را اجابت نکرده، متکبرانه، به تکذیب و قتل آنان مبادرت می‌ورزیدند.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از آیات، ابتدا به بررسی تبعیت از هوای نفس و مانع و چالش بودن هواپرستان در برابر پیامبران پرداخته، سپس با توجه به یکی دانستن اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبران، و تبعیت اکثر انسان‌ها از هوای نفس، به این نتیجه رهنمون شده است که نه تنها موانع و چالش‌هایی که در برابر پیامبران ایجاد شده بود، در برابر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بروز و ظهور می‌کند، بلکه چون حضرت، اهداف انبیا را در سطح وسیع‌تر و عمیق‌تر اجراء می‌کند، آن موانع و چالش‌ها، بیشتر و شدیدتر خواهند بود. براین اساس، هواپرستان که به جای عقل، هوای نفس را «اله» و «امیر» خود قرار داده‌اند، چالش‌ها و موانعی را برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ایجاد می‌کنند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. اجابت نکردن دعوت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۲. تکبر ورزیدن نسبت به حضرت؛

۳. تکذیب نمودن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۴. درصدد شهادت حضرت بودن.

۲۵۵

مقاله در پایان، مبارزه و جهاد علیه هوای نفس و قرار دادن عقل در جایگاه خود را عاملی برای ارتباط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رهایی از هواپرستی می‌داند. سوالاتی که پژوهش حاضر، پاسخگوی آنهاست، عبارت‌اند از:

الف) چرا هواپرستان، دعوت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را اجابت نمی‌کنند؟

- ب) چگونه هواپرستی، سبب تکذیب حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام می شود؟
ج) چرا هواپرستان در صدد شهادت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام هستند؟
د) راه های برون رفت از این چالش ها کدام اند؟

مفاهیم

هواپرستان

هواپرستان کسانی هستند که به جای تبعیت از دستورات عقل و شرع، از هوای نفس و خواسته های آن پیروی می کنند.

نفس

منظور از نفس، نفس انسانی است که جوهری مجرد و غیرمادی است. (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۴۶۳؛ ج ۳، ۴۲۵؛ ج ۴، ۲۰۹)

هوای نفس

هوای نفس در لغت

ریشه هوی، هَوَیْ بوده، به معنای سقوط از بالا به پایین است. هوای نفس، یعنی تمایل نفس به سوی شهوات، بدون این که به واسطه عقل و شرع، تعدیل شده باشد. پیامد پاسخ مثبت به این تمایل در دنیا، سقوط در ذائل اخلاقی، و در آخرت، سرنگونی در جهنم است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۵ و ۸۴۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۰۸؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۴۷)

هوای نفس از منظر قرآن

قرآن برای نفس انسان، درجات و مراتبی در نظر گرفته است که عبارت است از: الف) نفس اماره: مرتبه ای از نفس، که با دعوت انحصاری انسان به ارضای امیال پست و حیوانی، مانع شکوفایی و به کمال رسیدن ابعاد متعالی وجود انسان می گردد: ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالشُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي﴾ (یوسف: ۵۳؛ ب) نفس مسؤله: مرتبه ای از نفس، که امور زشت را برای انسان، زیبا و امور زیبا را زشت جلوه می دهد. قرآن در ماجرای سامری می گوید: وقتی سامری، گوساله را ساخت و از سوی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام مواخذه شد، اعتراف کرد و گفت: ﴿وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي﴾ (طه: ۶۹؛ ج) نفس لوامه: نفس لوامه، مرتبه ای از نفس است که اگر انسان در مسیر

تکامل خویش دچار اشتباهی شود و به آن اشتباه علم پیدا کند، او را ملامت و سرزنش می‌کند: ﴿وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ﴾ (قیامت: ۲)؛ (د) نفس مطمئنه: اگر انسان در مراحل مختلف زندگی، خواسته‌های خود را مهار کرده، با نظارت عقل و شرع، اوامر و نواهی الهی را مراعات نماید، به کمال مطلوب خویش، یعنی همان قرب به خدا دسترسی پیدا کرده، نفس به حالت طمأنینه و آرامش می‌رسد: ﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ﴾. (فجر: ۲۷-۳۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ج ۱، ۱۳۳-۱۴۱؛ جوادی آملی، ۱۳۷۷: ش ۲۰۳، ۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۴۲-۱۴۵)

بر اساس مراتب فوق، منظور از هوای نفس، نفس اماره و مسوله هستند که از طریق امر به بدی، و زشت جلوه دادن امور زیبا و یا زیبا جلوه دادن امور زشت، سبب سقوط انسان به مرتبه حیوانیت و پایین‌تر از آن می‌گردند.

چالش‌های هواپرستی

هوای نفس، خواسته‌های فراوانی داشته، یکی از بارزترین آنها، آزادی مطلق و رهایی از همه قیود است: ﴿بَلْ يَرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجَرُ أَمَامَهُ﴾ (قیامت: ۵) این آزادی اگر به واسطه عقل و شرع، کنترل و تعدیل نشود، چالش‌ها و موانعی برای انسان ایجاد می‌کند. در ذیل با استفاده از آیات قرآن، به چهار مورد آن اشاره می‌شود:

اجابت نکردن دعوت امام زمان عجل الله تعالی فرجه

خداوند متعال برای هدایت انسان‌ها، از یک سو، خیر و شر را به آنها الهام کرد: ﴿فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ (شمس: ۸) و از سوی دیگر، آنها را به قوه عاقله مجهزه نمود تا راهنمای درونی آنان باشد. علاوه بر این امور، در بیرون، راهنمایی از جنس آنان قرار داد تا با نشان دادن مسیر سعادت، آنها را به کمال واقعی و قرب الهی برساند؛ برخی از انسان‌ها، در درون خود، در اثر تبعیت از عقل، به این نتیجه رسیده‌اند که حقیقتاً به راهنمایان الهی محتاج هستند. بر این اساس، در عالم خارج از خود، سخنان منادیان الهی را پذیرفته، با اجابت دعوت آنان رستگار شدند، ولی اکثر انسان‌ها، با سرکوب کردن ندای عقل و تبعیت از هوای نفس، راهنمایان الهی را مخالف خواسته‌های نفسانی دانسته، دعوت آنان را اجابت نکرده‌اند. این گروه به سبب اجابت نکردن راهنمای درونی و بیرونی، هدایتی نداشته، گمراه‌ترین انسان هستند:

﴿فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ﴾ (قصص: ۵۰).

در آیه فوق، هرچند اجابت نکردن دعوت پیامبر اسلام ﷺ مدّ نظر است، ولی شخص حضرت، خصوصیت نداشته، شامل همه انبیاء و امامان می‌شود؛ چون عامل اجابت نکردن دعوت پیامبر اسلام ﷺ و گمراه شدن، تبعیت از هوای نفس است. از این جهت، به صورت کلی می‌توان گفت: هر کس از هوای نفس، تبعیت نماید، دعوت پیامبران، امامان و نهایتاً دعوت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را اجابت نمی‌کند. در ذیل درباره نحوه مانعیت هوای نفس از اجابت کردن دعوت پیامبران، امامان و بویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دو بیان ارائه می‌شود:

بیان اول: براساس اله قرار دادن هوای نفس

از منظر عقل و نقل، موجودات، درجات گوناگونی داشته، در یک رتبه قرار ندارند؛ درجه و مرتبه برخی از موجودات، عالی و برخی دیگر، دانی است. هم‌چنین برخی از آنها فعلیت محض بوده، بعضی دیگر قوه محض و برخی دیگر، از جهتی بالفعل و از جهاتی بالقوه هستند. بر این اساس، هر موجودی شأنیت و شایستگی اله بودن را ندارد؛ چون اله، موجودی است که علاوه بر نامتناهی بودن و عینیت وجود با ذاتش، از حیث خالقیت، مالکیت، عالمیت و سایر صفات کمالی باید مطلق باشد.

از آن جاکه ویژگی‌های فوق، مخصوص خداوند است، فقط او شأنیت «اله بودن» را دارد: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ (محمد: ۱۹)؛ اما برخی از انسان‌ها، «اله بودن» خداوند را برنرفته، از روی استکبار از آن اعراض می‌کنند: ﴿إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ﴾ (صافات: ۳۵) و بجای او، هوای نفس را «اله» و معبود خود قرار داده، از آن اطاعت و پیروی می‌نمایند: ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾ (جاثیه: ۲۳). این گروه، هرچند «اله مطاع» را قبول دارند، ولی بر این باورند که آن «اله مطاع»، هوای نفس است، نه خداوند متعال. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ۲۲۳) از سوی دیگر، هوای نفس در این جایگاه، مطابق آیه ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾ (یوسف: ۵۳)، فقط به بدی دستور می‌دهد و انسان را کم‌کم از خداوند دور می‌کند.

خداوند برای مجازات این گروه، گوش و قلب آنها را مهر زده، بر دیدگان‌شان پرده‌ای از غفلت انداخته، آنها را به حال خود واگذار می‌نماید؛ در نتیجه نه گوشی دارند تا سخن حق را بشنوند؛ نه عقلی دارند تا خود، تفکر و تعقل داشته باشند و نه چشمی دارند تا حقایق را دیده، از آنها عبرت بگیرند. از این جهت، آنان با از دست دادن ابزار معرفت و شناخت، راه نجات را گم

کرده، در ضلالت و گمراهی غرق می شوند:

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ﴾ (جاثیه: ۲۳).

قرآن در آیه دیگر، این گروه را بسان چارپایان می داند که از سخن حق، فقط لفظ و صدایی شنیده، درباره آن تفکر و تأمل نمی کنند تا به معنا و مفهوم آن پی ببرند. هم چنین به دلیل این که مجهز به ابزار هدایت هستند و در عین حال، گمراهی را بر هدایت ترجیح داده و علیه خود اقدام می کنند، از چارپایان گمراه تر دانسته شده اند:

﴿أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ (فرقان: ۴۴-۴۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ۲۲۴)

این گروه، از الوهیت خداوند اعراض کرده، و به دلیل ناکارآمد کردن ابزار شناخت و تعقل، مطابق خواسته های نفسانی خود عمل می کنند. از سوی دیگر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، خلیفه خداوند و جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بوده، به خوبی و پرهیز از بدی دعوت کرده، در صدد احیاء عقول و شعور انسانی است. بر این اساس، خواسته هواپرستان، غیر از دعوت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد و به همین دلیل، دعوت حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف را اجابت نمی کنند: ﴿فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ﴾ (قصص: ۵۰). از این جهت، اله قراردادن هوای نفس و تبعیت از آن، مانع و چالشی برای هواپرستان و عامل جدایی میان آنها و حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

بیان دوم: براساس اسیر شدن عقل

فلاسفه اسلامی معتقدند انسان علاوه بر قوای حیوانی، مانند محرکه و مدرکه، از قوه عاقله نیز برخوردار است. (ابن سینا، ۱۴۱۷: ۶۵؛ ۱۳۷۵: ج ۲، ۳۳۲؛ ۱۳۶۳: ۹۳) آن چه سبب تمایز انسان از سایر مخلوقات می شود، عقل است، بطوری که با بودن آن، انسانیت انسان باقی بوده و با نبودن آن، انسان از مرتبه خود تنزل یافته، در مرتبه حیوانات و پایین تر از آن قرار می گیرد. در انسان های معمولی، قوای حیوانی و هوای نفس همواره با عقل، نزاع داشته، با طغیان و کودتاه، در صدد غلبه بر عقل هستند؛ در این مبارزه، اگر پیروز میدان، قوه عاقله باشد و بتواند سایر قوا را تسلیم ریاست و امامت خود نموده، آنها را به خدمت بگیرد، انسان به تکامل

می‌رسد؛ چون عقل در بخشی از مسائل دینی، خود، راهنمای انسان است و در بخش‌های دیگر دین، با کمک شرع، راه هدایت و سعادت را می‌پیماید؛ اما اگر قوای حیوانی و نفسانی، بر عقل غلبه پیدا کنند، اولاً عقل را اسیر و زنده به گور نموده، رهبری انسان را به عهده می‌گیرند؛ ثانیاً نه تنها به بدی و نافرمانی خداوند امر می‌کنند، بلکه نسبت به نافرمانی و معصیت خداوند حریص بوده: «وَبِمَعَاصِيكَ مَوْلَعَةً» (قمی، ۱۳۷۹: مناجات الشاکین)، انسان را به سوی گناه شتاب می‌دهند: «وَالِیَ الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً» (همان)؛ ثالثاً سبب کوری و کوری باطنی انسان می‌گردند: «إِنَّكَ إِنِ أَطَعْتَ هَؤَالَكَ أَصَمَّكَ وَأَعْمَاكَ» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۲، ۱۱۴). چنین انسانی قادر به تشخیص سود و زیان خود نبوده، آخرتش را به دنیا می‌فروشد: «مَنْ أَطَاعَ هَؤَالَ بَاغَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ». (خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۵، ۲۷۹) همه این امور، موجب تنزل انسان به مرتبه حیوانیت گشته، نهایت تلاش او تغذیه، تنمیه و آرزوهای دور و دراز می‌شود: «ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُهُمُ الْأَمَلُ» (حجر: ۳).

از منظر حضرت علی علیه السلام، اکثر انسان‌ها از قسم دوم هستند؛ یعنی در مبارزه میان هوای نفس و عقل، عقل بسیاری از آنها مغلوب و اسیر است و هوای نفس، فرمانده و امیر آنان می‌باشد: «كَمْ مِنْ عَقْلٍ أُسِيرٍ تَحْتَ هَوَى أَمِيرٍ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱) و به همین دلیل، مانند حیوانات، تمام همّت خویش را صرف دنیای خود می‌کنند: «كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ هَمُّهَا عَلَفُهَا». (همو: نامه ۴۵)

در مقابل این کودتای درونی، یکی از اهداف رهبران دینی و به ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ایجاد انقلاب درونی، برای آزاد سازی عقول اسیر شده است. آنان به صورت متوالی و یکی پس از دیگری تلاش کردند تا انسان‌ها با تفکر و تعقل، امامت و امارت قوای حیوانی را بدست گرفته، خود را به سعادت واقعی و قرب الهی برسانند. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

وَوَاتَرِ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءُهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِمَّا قَفِظَتْهُ... وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ. (نهج البلاغه، خطبه اول)

اگر پیامبران درصدد استخراج و احیای دفائن عقول بوده‌اند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درصدد است علاوه بر آن، زمینه رشد و تکامل همه عقول را فراهم نماید. از این جهت، با این که مقتضی رشد عقول انسان‌ها موجود است، ممکن است مانع مفقود نبوده، بسیاری از هواپرستان، که در درون، مغلوب هوای نفس شده‌اند، در بیرون، این کار حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را برنتافته، با او مقابله کنند. هم‌چنان که اکثر مردم، کمک ناچیان عقول، یعنی پیامبران را نپذیرفته، با آنان

همراهی نکرده‌اند؛ لذا نه عقلی آزاد در آنان وجود دارد تا خود، تعقل نموده، راه سعادت را بیابند: ﴿أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (مائده: ۱۰۳) و نه گوش شنوایی هست تا دعوت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را اجابت کرده، رستگار شوند: ﴿إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ﴾ (فاطر: ۱۴).

براین اساس، انسانی که در مبارزه درونی، ناکام گشته و جان شریف و عقل نفیس خویش را به هوای نفس واگذار کرده باشد، در عالم خارج خود، امامت و امارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نپذیرفته، با سرکشی، با او مبارزه می‌نماید: موسی و فرعون در هستی تست باید این دو خصم را در خویش جست (مولوی، ۱۳۸۱، دفتر سوم)

تکبر ورزیدن نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی دیگر از موانع و چالش‌هایی که به سبب هوای نفس، برای برخی از مهدی‌باوران ایجاد می‌شود، تکبر نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. از منظر قرآن، اولین مخلوقی که تکبر ورزید، ابلیس بود: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ﴾ (بقره: ۳۴). او با تکبر، از امر و دستور خداوند نافرمانی کرد: ﴿فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ﴾ (کهف: ۵۰) و با قیاسی باطل، معتقد شد از آدم عجل الله تعالی فرجه الشریف برتر بوده، نباید در برابر او سجده کند: ﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾ (اعراف: ۱۲). پیامد تکبر او، این بود که با حقارت از درگاه خداوند رانده شد: ﴿قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾ (اعراف: ۱۳)

کسانی که امامت و امارت هوای نفس را پذیرفته، و از آن تبعیت می‌کنند، حزب شیطان بوده، همانند او متکبر هستند و چون دستورات خدا و خلیفه او را مخالف خواسته‌های نفسانی خود می‌یابند، در برابر آنها تکبر ورزیده، تسلیم نمی‌شوند: ﴿فَكَلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ﴾ (بقره: ۸۷). به عنوان مثال، شموئیل پیامبر به مردم دستور داد تا رهبری و فرماندهی طالوت را پذیرفته، از او اطاعت کنند. برخی با نگاه مادی و با قیاسی همانند قیاس ابلیس، خود را برتر از طالوت دانسته، تکبر ورزیدند و حاضر نشدند از او اطاعت کنند:

﴿قَالُوا إِنِّي كُونُ لَكَ الْمَلِكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمَلِكِ مِنْهُ وَلَمْ يَأْتِ سَعَةً مِنَ الْمَالِ﴾ (بقره: ۲۴۷).

این گروه از انسان‌ها، با این که معجزات و دلائل پیامبران را دیدند و به یقین هم رسیده

بودند، برتری طلبی و استکبار، مانع ایمان آنها شد: ﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا﴾ (نمل: ۱۴). در واقع، انحراف انسان‌های متکبر از روی عمد بوده، هیچ عذری از قبیل خطا یا جهل در آن وجود ندارد؛ براین اساس، هر آیه و نشانه‌ای از سوی راهنمایان دین ارائه گردد، ایمان نمی‌آورند و اگر راه هدایت به آنها نشان داده شود، آن را، راه خود انتخاب نمی‌کنند. آنان برای نشان دادن شدت تکبر و تکذیب رهبران الهی، با نگاه وارونه، طریق گمراهی و ضلالت را، راه خود انتخاب نموده، آن را می‌پیمایند: ﴿وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا﴾. (اعراف: ۱۴۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ج ۸، ۲۴) براین اساس، تکبر مانع و چالشی بزرگ برای ایمان نیاوردن کسانی بود که در عصر انبیا زندگی می‌کردند.

این عامل، ناشی از هوای نفسی است که در انسان‌های عصر حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز وجود دارد. از این جهت، کسانی که هوای نفس را از طریق عقل و شرع کنترل کرده باشند، نه تنها نسبت به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف، تکبری ندارند، بلکه متواضعانه در خدمت او قرار گرفته، رستگار می‌شوند؛ اما کسانی که تابع هوای نفس بوده، و درصدد هواپرستی هستند، همانند سایر هواپرستان و با قیاس‌های باطل، خود را برتر از همگان دانسته، متکبرانه دعوت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را رد می‌کنند. از آن جا که این تکبر و به تبع آن، اعراض و روی گردانی از امام، عالمانه و عامدانه است، ارائه کرامت و معجزه نیز برای آنها مثمر ثمر نبوده، تا آخر عمر، در گمراهی خود باقی خواهند ماند.

تکذیب کردن امام

چالش دیگری که هواپرستان و برخی از منتظران ظاهری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف با آن روبرو هستند، تکذیب رهبران الهی است. از منظر قرآن، کسانی که هوای نفس را اله خود قرار داده‌اند، پیامبران و رسولان را تکذیب می‌کنند. آیاتی که بیانگر این مطلب هستند را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: الف) برخی از آیات با اشاره به یک پیامبر خاص می‌فرمایند، قوم آن پیامبر او را تکذیب کرده‌اند، مثلاً قوم حضرت نوح عليه السلام در برابر تلاش‌ها و هدایت‌های آن حضرت، بر این باور بودند که او بر آنها برتری نداشته، دروغ‌گو است: ﴿مَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ﴾ (هود: ۲۷). هم‌چنین قوم حضرت شعیب، او را کاذب می‌دانستند: ﴿وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ﴾ (شعراء: ۱۸۶)؛ ب) آیاتی که به صورت کلی می‌فرمایند، هواپرستان

هرگاه سخن رسولی را بشنوند که مطابق با خواسته‌های نفسانی آنها نباشد، او را تکذیب می‌کنند، مانند:

﴿أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ﴾ (بقره: ۸۷)

﴿كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا﴾ (مائده: ۷۰)

آیات دسته دوم، عام بوده، از یک سو، شامل همه پیامبران، امامان و از جمله امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شوند؛ چون همه آنها از سوی خداوند منصوب بوده، اوامر و نواهی آنان، مطابق با مصلحت و مفسده واقعی و خلاف خواسته‌های نفسانی است. از سوی دیگر، شامل همه هواپرستان می‌شود؛ چون همه آنها در صدد آزادی مطلق و ارضای خواسته‌های خویش، بدون هیچ و قید و شرطی بوده، نمی‌خواهند تکلیفی را بپذیرند. وجود چنین آزادی و گریز از مسئولیت، گرچه ممکن است با بُعد مادی و حیوانی انسان سازگار باشد، ولی با بُعد معنوی و انسانیت وی تناسبی نداشته، از آن منع شده است. براین اساس، آن‌چه هادیان دین و از جمله امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام می‌دهند، نه تنها موافق با خواسته‌های هوای نفس نیست، بلکه عاملی بازدارنده و کنترل‌کننده آن است و به همین دلیل، خوشایند هواپرستان نبوده، برای رسیدن به آزادی و رها شدن از انجام تکالیف، به تکذیب آنان روی می‌آورند.

به شهادت رساندن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

از منظر قرآن، یکی از برنامه‌های پیامبران و امامان، اجرای عدل و قسط است. این برنامه، آن قدر مهم است که در مرحله اول، خود خدا به آن امر نموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ﴾ (نحل: ۹۰). در مرحله بعد، پیامبران به آن امر شده‌اند: ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ﴾ (اعراف: ۲۹). در مرحله دیگر، پیامبران با براهین و ادله کافی به رسالت مبعوث شدند تا مردم، قسط را بپا دارند: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۲۵). نهایتاً از مؤمنین خواسته شد تا قسط را بپا دارند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ﴾ (نساء: ۱۳۵)؛ اما اجرای عدل و قسط، با هوای نفسانی هواپرستان سازگار نبوده، یکی از عکس‌العمل‌های آنها در برابر مجریان و آمران به عدل و قسط، قتل و شهادت آنها بود:

﴿وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ﴾ (آل عمران: ۲۱)

﴿أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمُ... وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ﴾ (بقره: ۸۷)

﴿كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ... وَفَرِيقًا يَّقْتُلُونَ﴾ (مائده: ۷۰)

دعوت به عدل و قسط، یکی از بارزترین برنامه‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده، روایات گوناگونی به آن پرداخته‌اند. این روایات نه تنها دلالت دارند که حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف به عدل و قسط امر می‌کند، بلکه بیانگر آن هستند که حضرت در صدد است تا جهان را از آن پر نماید:

مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّتِي يَنَالُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلُمًا وَجَوْرًا. (نعمانی، ۱۳۹۷:

(۸۱)

با توجه به ناسازگاری هواپرستان نسبت به اجرای این برنامه، در سطح وسیع‌تری با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به مخالفت برخاسته، در صدد قتل حضرت برآمده، نهایتاً او را به شهادت می‌رسانند.

راه برون‌رفت از این چالش‌ها

ریشه چالش‌های چهارگانه فوق، هوای نفس است. کسی که در صدد دفع یا رفع این چالش‌هاست تا در برابر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف موضعی درست اتخاذ نماید، باید با انقلاب درونی و مبارزه علیه هوای نفس، عقل را از اسارت خارج نموده، در جایگاه واقعی خود قرار دهد. برای این منظور باید مراحل ذیل طی شود:

دشمن دانستن هوای نفس

در مرحله اول انسان باید به این باور برسد که همان طور معصومین علیهم‌السلام فرموده‌اند، هوای نفس، بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن اوست.

مبارزه با هوای نفس

بعد از دشمن دانستن هوای نفس، باید با آن به جهاد برخاست تا کنترل شود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «جَاهِدُوا أَهْوَاءَكُمْ كَمَا تُجَاهِدُونَ أَعْدَاءَكُمْ» (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۶۵، ۳۷۰) امام صادق علیه‌السلام نیز در این باره فرمود: «وَأَجْعَلْ نَفْسَكَ عَدُوًّا تُجَاهِدُهَا» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۴۵۵) و از آن جا که هوای نفس، خواسته‌هایی است که مخالف خواسته‌های عقل و شرع است، برای مبارزه با آن، انسان اولاً باید خواسته‌های عقل و شرع را بشناسد و به آنها عمل نماید؛ ثانیاً با خواسته‌های نفسانی مخالفت کرده، به هیچ‌کدام از آنها عمل نکند. علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «رَأْسُ الدِّينِ مُخَالَفَةُ الْهَوَىٰ» (خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۴، ۵۳)؛ ثالثاً در این پیکار سخت، عقل به تنهایی قدرت مبارزه نداشته، باید از خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام استمداد

بجوید:

دام سخت است، مگر یار شود لطف خدای و ارنه انسان نبرد صرفه ز شیطان رجیم
نفس بی عهد است زآن رو کشتنی است او دنی و قبله گاه او دنی است
(مولوی، ۱۳۸۱، دفتر چهارم)

اجابت کردن دعوت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

بعد از دشمن دانستن هوای نفس و جهاد علیه او، عقل از اسارت آزاد شده، در جایگاه حقیقی خود قرار گرفته، زمینه نجات انسان را فراهم می‌کند. به تعبیر حضرت علی علیه السلام: «حَفْظُ الْعَقْلِ بِمُخَالَفَةِ الْهَوَى» (خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۳، ۴۰۹)؛ زیرا نجات و رستگاری انسان در شناخت و اجابت دعوت معصومین، و در عصر کنونی، شناخت و اجابت دعوت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و کسانی می‌توانند دعوت حضرت را اجابت کنند که یا گوش شنوا داشته باشند تا به سبب شنیدن دستورات الهی به آن عمل کنند: «إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ» (انعام: ۳۶)؛ یا عقل و قلب سلیم داشته باشند تا با تفکر و تأمل به این نتیجه برسند که برای رسیدن به سعادت، علاوه بر راه‌های معمولی، راه وحی نیز لازم است تا از این طریق در خدمت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرند؛ و یا این که هم گوش شنوا و هم عقل و قلب سلیم داشته باشند و به سبب هر دو ابزار، شناختی از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیدا نموده، خود را به حضرت متصل کنند:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ﴾ (ق: ۳۷).

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۳۷)؛

خدایا خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من نشناسانی، فرستاده‌ات را نمی‌شناسم، خدایا فرستاده‌ات را به من بشناسان؛ زیرا اگر فرستاده‌ات را به من نشناسانی، حجتت را نمی‌شناسم، خدایا حجتت را به من بشناسان؛ زیرا اگر حجتت را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم.

مطابق این حدیث، راه نجات از ضلالت، شناخت خداوند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام است. بدیهی است که اولاً شناخت اولیّه خداوند و نبوت عامه، از طریق عقل امکان‌پذیر است.

هم‌چنین در شناخت نبوت خاصه و جانشینان او نیز عقل دخالت دارد. براین اساس، تا وقتی عقل، اسیر هوای نفس باشد، امکان شناخت خدا، پیامبر و امام وجود ندارد. این شناخت، زمانی امکان‌پذیر است که عقل از اسارت هوای نفس آزاد شده، در مقام واقعی خود قرار گرفته باشد؛ ثانیاً شناختی مدّ نظر است که تبعیت و همراهی با پیامبران و امامان را به همراه داشته باشد: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي» (ابراهیم: ۳۶)؛ امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «لَا يُقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِالْمَعْرِفَةِ وَلَا مَعْرِفَةً إِلَّا بِالْعَمَلِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۴۴)؛ براین اساس، کسی که ظاهراً خدا، پیامبر و امام را بشناسد و بجای تبعیت از آنها، از هوای نفس پیروی نماید، هنوز برای او نسبت به خدا، پیامبر و امام، شناختی حاصل نشده است.

تواضع و تصدیق نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

تکبر که نوعی طغیان است، برای کسانی بوجود می‌آید که با اله قرار دادن هوای نفس، از یک سو، خود را غنی و بی‌نیاز دانسته، از الوهیت خدا و ولایت رهبران الهی خود را جدا می‌سازند: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» (علق: ۶ و ۷) و از سوی دیگر، به علم اندک خود خرسند بوده، معتقدند پیامبران ره‌آورد تازه‌ای برای بشریت نداشته‌اند، تا به تصدیق دعوت آنان نیاز باشد: «فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ» (غافر: ۸۳)؛ اما با غلبه بر هوای نفس، انسان می‌یابد حدوث و بقای او از سوی خداوند است و او هیچ استقلال وجودی از خود نداشته، عین وابستگی و فقر محض می‌باشد. از آن‌جاکه این نیاز و احتیاج، واقعی و حقیقی است، هیچ‌گاه انسان نمی‌تواند به مرتبه بی‌نیازی و استقلال وجوی ترقی پیدا کند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵).

«وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ» (محمد: ۳۸).

هم‌چنین به این باور صحیح می‌رسد که عقل و علوم بشری برای رساندن او به سعادت و کمال واقعی کافی نبوده، محتاج علمی است که در اختیار خلفای الهی قرار دارند: «وَيَعْلَمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۵۱). براین اساس، نه تنها نسبت به خلفای الهی و از جمله امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به تکبر و تکذیب روی نمی‌آورد، بلکه متواضعانه مانند عبدی در برابر مولای خود قرار گرفته، کاملاً او را تصدیق می‌کند. حضرت علی علیه السلام با همه علوم و کمالاتی که داشت، درباره ارتباط خود با پیامبر، می‌فرمود: «إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ مِنْ عَبْدِ مُحَمَّدٍ». (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۹۰) وقتی

حضرت علی علیه السلام، که نفس پیامبر و جانشین اوست، چنین می فرماید، سایر انسان ها که چنین جایگاهی را ندارند، به طریق اولی باید نسبت به پیامبر، امامان و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف متواضع بوده، دعوت آنها را تصدیق نمایند.

دفاع از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

کسانی که تابع هوای نفس خود هستند، حاضرند پیامبر و امام را به قتل برسانند و یا اگر منافقانه در ابتدا با آنها همراهی کرده باشند، معیت آنها تا زمانی ادامه دارد که جانشان به خطر نیفتد و هرگاه جان خود را در خطر ببینند، پیامبر و امام را را رها می کنند تا خود سالم باشند: ﴿وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ﴾ (آل عمران: ۱۵۴). به عنوان نمونه وقتی در جنگ بدر، مسلمانان شکست خوردند، با این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برخی از مسلمانان را به اسم صدا می زد، حضرت را رها کردند و به فکر نجات جان خود بودند:

﴿إِذْ تَضَعُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ﴾ (آل عمران: ۱۵۳).

اما اگر کسی در مبارزه با هوای نفس پیروز شود، نه تنها قتل پیامبر و امام به ذهن او خطور نمی کند، بلکه برای حفظ آنها، خود را فدای آنها می کند؛ چون از یک سو، با بهره گیری از سخنان معصومین، آنها را خلیفه و حجت خدا می داند که وجودشان برای خود و دیگر مخلوقات ضروری است، مثلاً امام باقر علیه السلام، امام را امان اهل زمین می داند:

لوبيقیت الأرض يوماً واحداً بلا إمام منّا لساخات الأرض بأهلها ولعذبهم الله بأشدّ عذابه، وذلك أن الله جعلنا حجة في أرضه وأماناً في الأرض لأهل الأرض. (حویزی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۱۴۱۵)

هم چنین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز در توقیعی به شیخ مفید فرمود:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ لِدِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَاضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ. (مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۵۳، ۱۷۵)

ما از یاری رساندن به شما کوتاهی نکرده، فراموشتان نمی کنیم، و اگر چنین نبود، حتما ناگواری هایی بر شما نازل می شد و دشمنان، شما را نابود می ساختند.

از سوی دیگر، کمال و سعادت خود را در حمایت کردن از خلیفه الهی می داند؛ چون بر این باور است که به موجب حمایت و حفظ خلیفه الهی، هر چند ممکن است بُعد مادی وی آسیب ببیند و یا حتی جانش را از دست بدهد، ولی بُعد معنویش رشد کرده، به قرب الهی می رسد. به

همین دلیل حاضر نیست برای حفظ جان خود، پیامبر و امام را تنها بگذارد:

﴿وَلَا يَزْعُبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ﴾ (توبه: ۱۲۰).

نمونه بارز کسانی که عقل آزاد داشته، خود را برای حفظ خلیفه خداوند به خطر انداختند، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام است که در مواردی، مانند لیلۃ المبیت، جنگ احد و... با به خطر انداختن جان خود، نگذاشت به پیامبر اسلام آسیبی برسد. هم چنین می توان از شهدای کربلا نام برد که تا وقتی زنده بودند، نگذاشتند امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و بنی هاشم آسیبی ببینند.

مهدی باوران واقعی نیز خودیت و منیتى نداشته، تا به خاطر حفظ آن، امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى را تنها بگذارند. آنان حاضرند هستی خود و خانواده را خالصانه برای تحقق اهداف حضرت حجت عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فدا کرده، بگویند: «يَا أَبَى أَنْتُمْ وَأُمِّ وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي». (قمی، ۱۳۷۹: زیارت جامعه کبیره) آنان خواسته های نفسانی را حائل و مانعی بزرگ برای پیوستن به حضرت دانسته، با ذبح کردن آن، در حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى ذوب می شوند.

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز
(حافظ، ۱۳۸۵)

بگذراز خویش اگر عاشق دلباخته ای که میان تو او جز تو کسی حائل نیست
(امام خمینی، ۱۳۷۶)

براین اساس، آنان همواره در دعاهاى خود می خوانند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِزَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. (قمی، ۱۳۷۹: دعای عهد)

و منتظر روزی هستند که این دعا را در عمل به اجرا بگذارند.

نتیجه گیری

۱. از منظر قرآن، تبعیت از هوای نفس، مانع و چالشی است که به سبب آن، بسیاری از انسان ها دعوت پیامبران را اجابت نکرده، متکبران آنها را تکذیب و حتی به شهادت رسانده اند.

۲. با توجه به ماهیت مشترک انسان ها و شواهد و قرائنی که از تاریخ هواپرستان و برخورد آنان با پیامبران و امامان وجود دارد، می توان نتیجه گرفت که آنان دعوت امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى را

نیز اجابت نکرده، متکبرانه، او را تکذیب کرده، در صدد شهادت او هستند.

۳. هواپرستان، به جای خدا، هوای نفس را اله قرار می دهند که به سبب امر به بدی و سوق دادن انسان به سوی خطاها، مانع تفکر و یا شنیدن سخن حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود.

۴. عقل رئیس قوای انسانی و عامل تمایز انسان از سایر حیوانات است. هواپرستان با افعال اختیاری، عقل را از جایگاه خود تنزل داده، هوای نفس را جانشین آن قرار داده اند و از آن جاکه دعوت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، برخلاف خواسته های نفسانی است، دعوت او را اجابت نمی کنند.

۵. هواپرستان با فراموشی بُعد نفسانی، و توجه انحصاری به بُعد جسمانی، معیارهای مادی را ملاک برتری دانسته، امامت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را انکار می کنند.

۶. در طول تاریخ، هواپرستان با مجریان عدل و قسط برخورد کرده، برخی از آنان را به شهادت رسانده اند و از آن جاکه یکی از برنامه های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، پرکردن جهان از عدل و قسط است، هواپرستان با حضرت نیز مبارزه کرده، نهایتاً او را به شهادت می رسانند.

۷. با دشمن دانستن هوای نفس و مبارزه با آن، عقل جایگاه حقیقی خود را حفظ نموده، زمینه شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، اجابت و تصدیق دعوت او فراهم می شود و با پیوستن و دفاع از او می توان خود را از چالش هوای نفس نجات داد.

منابع

قرآن

مفاتیح الجنان

نهج البلاغه

- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، *الغیة (للنعمانی)*، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
- ابن سینا، *مبدأ و معاد*، به اهتمام عبدالله نورانی، بی جا، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، ۱۳۶۳.
- _____، *الاشارات والتنبيهات (مع الشرح للمحقق نصیرالدین الطوسی و شرح الشرح للعلامه قطب الدین الرازی)*، بی جا، نشر البلاغه، ۱۳۷۵.
- _____، *النفس من کتاب الشفاء*، تحقیق آیت الله حسن زاده آملی، مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعة، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.

- جوادى آملی، عبدالله، *نفس مسوله*، پاسدار اسلام، شماره ۲۰۳، ۱۳۷۷.
- _____، *توحید در قرآن*، قم، اسراء، ۱۳۸۳.
- _____، *تسنیم*، قم، اسراء، هفتم، ۱۳۹۱.
- حافظ، شمس‌الدین محمد، *دیوان حافظ*، قم، حسنین، ۱۳۸۵.
- خوانساری، آقا جمال، *شرح بر غرر الحکم و درر الکلم*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق / بیروت، دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲.
- سعدی، بوستان، تهران، فردوس، ۱۳۸۸.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، *مجموعه مصنفات*، بی‌جا، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۲.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۷۶.
- _____، *سجاده‌های سلوک*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۹۰.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، *دیوان امام*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۷۶.
- مولوی، جلال‌الدین محمد، *مثنوی معنوی*، تهران، پیمان، ۱۳۸۱.
- نوری، حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البيت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق.